

تأثیر دو فضایی شدن روابط خویشاوندی بر عمق، گستره و نوع روابط

(مطالعه موردی گروه‌های تلگرامی فامیلی)

سیدمحمدعلی غمامی *

فاطمه ملک‌خانی **

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۸

چکیده

با ظهور فناوری‌های جدید قسمت اعظمی از روابط روزمره انسان‌ها به فضای دوم (فضای مجازی) انتقال یافته و این مسئله چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای روابط به وجود آورده است. کشیده شدن روابط خویشاوندی به این فضا برخی را به بازتولید جمع‌های خانوادگی قدیم و اصلاح روندهای کنونی امیدوار ساخت. برخی نیز این روند را نه یک چرخش اصلاحی بلکه ادامه راه مدرنیته و در راستای دامن زدن به فردیت هرچه بیشتر توصیف کردند. این پژوهش به دنبال فهم تأثیر دو فضایی شدن ارتباطات خویشاوندی مجازی بر عمق، سطح و نوع ارتباطات است. برای این منظور ۲۰ نفر از اعضای گروه‌های تلگرامی خانوادگی به روش نیمه ساخت‌یافته مصاحبه به عمل آمد و یافته‌ها به روش تحلیل مضمون با نرم‌افزار مکس کیودا^۱ مورد تحلیل قرار گرفتند. برای تبیین این تغییرات از نظریه «دو فضایی شدن» سعیدرضا عاملی و «جامعه و اجتماع» فردینان تونیس^۲ استفاده شد. نتایج نشان داد «فاصله‌زدایی» و «فاصله‌زایی» دو مضمون فراگیر در بیان تغییرات حاصل از دو فضایی شدن ارتباطات خویشاوندی هستند. به‌طورکلی فضای مجازی با «فاصله‌زدایی» در ابعاد مادی به گسترش سطح ارتباطات خویشاوندی انجامیده و در بعد صوری (گزل‌شافتی) موفق عمل کرده است؛ اما هم‌زمان با «فاصله‌زایی» در ابعاد معنوی سبب کاهش عمق ارتباطات شده و در بعد معنوی (گیمان‌شافتی) چندان موفق نبوده است.

واژگان کلیدی: تلگرام، خانواده، دو فضایی شدن، روابط خویشاوندی، روابط مجازی

* استادیار فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقر العلوم (علیه‌السلام)، قم، ایران، s.ghamami@gmail.com

** دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه تهران. طلبه سطح سوم مطالعات زنان، جامعه الزهرا

(س)، تهران، f.malekxhani@ut.ac.ir (نویسنده مسئول).

۱. بیان مسئله

گذر از جامعه سنتی به جامعه صنعتی و مدرن و تغییرات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حاصل از آن، سبب شده خانواده‌ها از شکل گسترده^۱ به شکل هسته‌ای^۲ تغییر ماهیت بدهند. روابط قبیله‌ای و خویشاوندی بسیار کم‌رنگ شده و حتی گسستن خانواده‌های هسته‌ای و حرکت به سمت زندگی تک‌والدی یا مجردی به صورت امری فراگیر مشاهده می‌شود. در این فضا، نوستالژی جمع‌های خانوادگی سنتی و دورهمی‌های قدیمی، به‌خصوص در جوامع در حال توسعه که فاصله زمانی- مکانی زیادی با آن فضاها ندارند، پررنگ شده است.

با ظهور فناوری‌های جدید قسمت اعظمی از روابط روزمره انسان‌ها به فضای دوم (فضای مجازی) انتقال یافته و این مسئله چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای روابط مذکور به وجود آورده است. فضای مجازی با به دست گرفتن سهمی از روابط معمول، ابزارها و روش‌های برقراری ارتباط را تغییر داده و به تبع آن تغییراتی را در نوع و ماهیت روابط ایجاد کرده است. در این میان عده‌ای امکان بازتولید جمع‌های خانوادگی قدیم و اصلاح روندهای فردگرایانه موجود را در فضای ارتباطی جدید و با توسعه فناوری‌ها قابل‌پیگیری می‌دانند. عاملی خانواده دو فضایی شده را از بسیاری جهات شبیه به خانواده گسترده می‌داند و معتقد است خانواده دو فضایی، از نظر داشتن کانال‌های متعددی برای برقراری ارتباط با خویشاوندان، در برابر خانواده هسته‌ای قرار دارد که «تضعیف تماس با خویشاوندان دورتر» (عاملی، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۳) یکی از ویژگی‌های آن محسوب می‌شود. هرچند این ارتباط در خانواده دو فضایی، ارتباط با واسطه است و کیفیت ارتباط چهره به چهره را ندارد؛ اما نسبت به خانواده هسته‌ای، ارتباطات خویشاوندی بیشتر می‌شود و حتی از طریق گروه‌های خانوادگی در شبکه‌های مجازی، این ارتباطات تقویت می‌شود که می‌تواند در جهان واقعی امتداد یابد (عاملی، ۱۳۹۶،

۱. این نوع خانواده، متشکل از دو یا سه نسلی است که با یکدیگر در یک خانواده زندگی می‌کنند و ارتباط و

تماس زیاد و نزدیکی میان اعضای خانواده وجود دارد (راسبی، ۲۰۰۵؛ سمیعی ۱۳۹۳ به نقل از عاملی ۱۳۹۶).

۲. خانواده هسته‌ای متشکل از پدر و مادر و حداقل یک فرزند یا بدون آن‌هاست که با یکدیگر زندگی می‌کنند و جدا از بستگان هستند (عاملی، ۱۳۹۶:۹).

ص. ۱۲۳). در مقابل، برخی مانند مانوئل کاستلز^۱ با طرح مفهوم «فردگرایی شبکه‌ای» خاصیت شبکه‌ای شدن عصر جدید را نه تنها تسهیل جمع‌گرایی نمی‌دانند بلکه آن را در راستای دامن زدن به فردیت هرچه بیشتر توصیف می‌کنند. در جامعه جمع‌گرا ساختارهای جمعی مانند خانواده، مذهب و سنت بر فرد استیلای تام داشته و رفتار فرد تابعی از این ساختارها قلمداد می‌شود؛ اما در جوامع فردگرا بر استقلال و آزادی فردی تأکید شده و نفع فردی بر نفع جمعی ارجحیت داده می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۹ به نقل از رضایی و غلامزاده ۱۳۹۷، ص. ۵). کاستلز می‌گوید: «در عصر اینترنت افراد منزوی نمی‌شوند بلکه آنها جهان فرهنگی خود را برحسب اولویت‌ها و طرح‌های خود انتخاب می‌کنند و این مسئله را با توجه به تکامل منافع و ارزش‌های شخصی‌شان تعدیل و اصلاح می‌کنند» (کاستلز، ۱۳۹۳، ص. ۲۵۹). راینی و ولمان^۲ در تعریف فردگرایی شبکه‌ای می‌گویند: «امروزه افراد در اینترنت در حال مکالمه با دیگران هستند و ارتباطات همچنان ادامه دارد؛ چه با ایمیل چه فیس‌بوک و سایر پیام‌رسان‌ها. با این حال اکنون همه‌چیز متفاوت (از قبل) است. افراد با در اختیار داشتن این ابزارها در زندگی خود، شیوه‌های تعامل با یکدیگر را تغییر داده‌اند. مردم در شبکه‌ها به گروه تبدیل نمی‌شوند بلکه به منزله افرادی هستند که صرفاً به هم وصل شده‌اند. در دنیای افراد شبکه‌ای شده، این شخص است که کانون توجه است: نه خانواده، نه واحد کاری، نه همسایگی و نه گروه اجتماعی» (راینی و ولمان، ۲۰۱۲، ص. ۶). از نظر آنها «می‌توان فردگرایی شبکه‌ای را پیوندها و تعلقات ضعیف در درون شبکه‌های اجتماعی مجازی و دنبال کردن منافع و علقه‌های فردی در شبکه‌ها تعریف کرد. فردگرایی شبکه‌ای کمترین همدلی را با مشکلات دیگران در شبکه‌ها داشته و کمترین توجه را به مسائل جمعی دارد» (رضایی و غلامزاده، ۱۳۹۷، ص. ۱۱). امروزه با وجود اینکه شبکه‌های اجتماعی، امکان اتصال انسان‌ها را در سراسر جهان به‌طور غیر قابل‌تصوری افزایش داده‌اند، بازهم برخی از متخصصان فناوری، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان می‌گویند کاربران شبکه‌های اجتماعی نسبت به دیگرانی که در آن حضور ندارند یا بهره کمتری از آن می‌برند، «تنهاتر» و «خودشیفته‌تر» شده‌اند (وکیل‌ها، ۱۳۹۲، ص. ۷۲).

1. Manuel Castells
2. Rainie & Wellman

سؤال اینجاست که آیا شبکه‌های مجازی و گروه‌های خانوادگی مجازی امکان احیای روابط نزدیک خویشاوندی و بازتولید خانواده گسترده را فراهم آورده یا با دامن زدن به فردگرایی شبکه‌ای به تهدیدی جدید برای ارتباطات خویشاوندی تبدیل شده است؟ به عبارت دقیق‌تر پژوهش پیش رو به دنبال پاسخ به این پرسش است که دو فضای شدن ارتباطات خویشاوندی چه تأثیری بر عمق، سطح و نوع این روابط گذاشته است؟

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه در سه دسته قرار می‌گیرند:

دسته اول: تحقیقاتی که تأثیر و تأثرات حضور فرد در فضای مجازی با روابط خانوادگی‌اش را مورد مطالعه قرار می‌دهند. برای مثال عدلی پور و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «شبکه اجتماعی فیس‌بوک و روابط خانوادگی کاربران جوان ایرانی» نشان می‌دهند که میان استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک و کاهش فعالیت روزانه در محیط خانواده، بی‌اعتمادی والدین به فرزندان، کاهش ارتباطات رودررو با اعضای خانواده، کناره‌گیری از اعضای خانواده و کاهش تعامل با آنها روابط معناداری وجود دارد. لطیفی (۲۰۱۵) در مقاله «بررسی تأثیر مشارکت در فضای سایبر در روابط همسران» نشان می‌دهد میان مشارکت در شبکه‌های اجتماعی با رضایت از ازدواج رابطه قابل توجهی وجود دارد. به عبارت دیگر، افزایش مشارکت در شبکه‌های اجتماعی منجر به کمتر شدن رضایت از ازدواج و گرایش بیشتر به طلاق می‌شود. پیرجلیلی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «آسیب‌شناسی تأثیر شبکه اجتماعی تلگرام بر روابط خانوادگی زوجین (شهر تهران سال ۱۳۹۵)» با استفاده از پژوهش داده بنیاد بر روی ۲۵ زوج ۳۵ تا ۵۰ ساله به این نتیجه رسیدند که عضویت و استفاده زوجین از شبکه اجتماعی تلگرام بدون آگاهی از سواد رسانه‌ای، منجر به تنش در روابط خانوادگی آنان خواهد شد. سالگور^۱ (۲۰۱۶) در مقاله «استفاده از شبکه‌های اجتماعی چگونه بر ارتباطات خانوادگی نوجوانان تأثیر می‌گذارد؟» از افت شدید روابط خانوادگی بر اثر استفاده مداوم از شبکه‌های اجتماعی

خبر می‌دهند سالگور می‌گوید: «شبکه‌های اجتماعی مزایای خاص خود را دارد و نوجوانان می‌توانند به راحتی با اعضای خانواده و دوستان خود ارتباط برقرار کنند. با این حال، این نوع ارتباط بر توانایی ارتباط چهره به چهره یا مکالمات واقعی نوجوانان تأثیر منفی می‌گذارد. علاوه بر این، جوانانی که زندگی آنها بر اساس شبکه‌های اجتماعی است، خودشان هم تشخیص نمی‌دهند که ارتباط آنها با زندگی واقعی ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود» (سالگور، ۲۰۱۶، صص. ۲۹-۳۰). کتاب «ارتباطات خانوادگی در عصر رسانه‌های دیجیتال و اجتماعی» که توسط کارول جی بروس^۱ (۲۰۱۵) تدوین شده است، به بررسی تأثیرات رسانه‌های دیجیتالی بر همه جنبه‌های تعامل خانوادگی می‌پردازد. فصل‌های این کتاب به ارتباط میان زوجین، نوجوانان و والدین و خانواده‌ها باهم از طریق وسایل ارتباطی چون تلفن همراه هوشمند، رایانه‌های شخصی، لپ‌تاب و ابزارهای ارتباطی چون ایمیل، فیس‌بوک، اسکایپ، توئیتر، وبلاگ‌ها و... می‌پردازد. هر فصل به طور قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهد که رسانه‌های دیجیتالی چگونه در زندگی خانواده‌ها و زوجها ریشه دوانده‌اند و به تأثیرات عمیقی که بر نوع تلقی افراد از ارتباطات می‌گذارد و به تبع آن تغییراتی که در تصورات و رفتارهای آنها در صمیمی‌ترین و طولانی‌ترین روابطشان می‌دهد، می‌پردازد. یافته‌های مقاله «بازتاب اعتیاد به رسانه‌های اجتماعی در فرایندهای ارتباط خانواده» نیز نشان می‌دهد که ارتباطات خانوادگی به واسطه رسانه‌های اجتماعی، افراد کسانی را که دور هستند جذب می‌کنند، در حالی که از نزدیکان خود فاصله می‌گیرند. مردم احساس می‌کنند بخشی از زندگی خویشاوندان و دوستانی هستند که مدت‌هاست آنها را ندیده‌اند. با این حال، با ایجاد این صمیمیت، از ارتباط خود با خانواده و زمانی که باهم می‌گذرانند می‌دزدند. دیده می‌شود افرادی که از رسانه‌های اجتماعی به طور گسترده استفاده می‌کنند ارتباط کمتری در خانواده دارند (عطار و یولوسوی^۲، ۲۰۲۰، ص. ۴۴۱). یافته‌های مچ^۳ (۲۰۰۳) در مقاله «خانواده و اینترنت: مورد اسرائیل» نشان می‌دهد که فراوانی استفاده از اینترنت با درک نوجوانان از کیفیت روابط خانوادگی رابطه منفی دارد و این احتمال وجود دارد که

1. Carol J. Bruess
2. Ulusoy & Atar
3. Mesch

فراوانی استفاده از اینترنت توسط نوجوانان، به‌ویژه هنگامی که از آن برای اهداف یادگیری استفاده نمی‌شود، حتی درگیری‌های بین نسلی ایجاد کند. جفاله (۱۳۹۵) در مقاله «شبکه‌های اجتماعی مجازی و تأثیر آن بر کاهش روابط خویشاوندی» به اهمیت صلح‌رحم و اختلافاتی که فضای مجازی در روابط خانوادگی و خویشاوندی ایجاد کرده می‌پردازد و می‌گوید: «امروزه شبکه‌های اجتماعی در زندگی، جای دوستان و نزدیکان را گرفته و در حقیقت جایگزین روابط دوستانه و فامیلی شده است». عطایی (۱۳۹۴) در مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر فضای مجازی بر ارتباطات افراد در خانواده» به تأثیر فضای مجازی بر فرهنگ شفاهی افراد در خانواده‌ها پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد هرچه میزان استفاده از فضای مجازی بیشتر باشد کمیت و کیفیت ارتباط شفاهی که ناشی از ارتباط افراد در دنیای واقعی و ارتباطات رودررو است، کاهش پیدا می‌کند.

دسته دوم: در مقابل، تحقیقات کم‌شماری به روابط خانوادگی در فضای مجازی - که می‌توان از آن به «خانواده مجازی» تعبیر کرد - پرداخته‌اند. برای مثال اندروود^۱ (۲۰۰۴) در مقاله «روابط اینترنتی و تأثیر آن در روابط پایه» با تحقیق بر روی روابط زوجین در فضای مجازی نشان می‌دهد روابط اینترنتی با شرکای اینترنتی، می‌تواند تا حد زیادی تأثیری مشابه آنچه در واقعیت اتفاق می‌افتد، داشته باشند و بر روی روابط پایه زوجین در فضای واقعی تأثیر بگذارد. هرتلین^۲ (۲۰۱۲) در مقاله «خانه دیجیتال: فناوری در روابط زوجین و خانواده» نیز به نحوی دیگر به همین مسئله می‌پردازد. لیبونف و دورکین (۲۰۱۷) در مقاله «نزدیک، دور، هرکجا که هستید باشید: خواهر و برادر و ارتباطات رسانه‌های اجتماعی» به ارتباطات خواهران و برادران در رسانه‌های اجتماعی می‌پردازند. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که همبستگی مثبت و معناداری میان ارتباطات رسانه‌های اجتماعی و نزدیکی خواهر و برادران وجود دارد. ساپرت من^۳ (۲۰۱۶) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود «از خانواده تا دوست؛ الگوهای ارتباطی خانواده و تأثیر آن بر تعامل جوانان از طریق فیس‌بوک» می‌گوید

1. Underwood
2. Hertlein
3. Onyeator & Okpara

درحالی که شبکه‌های اجتماعی زمانی محلی برای معاشرت نوجوانان و جوانان با همسالان خود بودند، امروزه به‌طور فزاینده‌ای به فضایی برای تعامل خانواده و محلی برای نظارت والدین بر فرزندان خود تبدیل شده‌اند. او در این پژوهش به بررسی تأثیر الگوهای ارتباطی مختلف خانواده بر نحوه ارتباط جوانان با والدین خود در سایت‌های رسانه‌های اجتماعی به‌ویژه فیس‌بوک می‌پردازد. ساپرت من می‌گوید: «بسیاری از جوانان با مهاجرت از خانه و تحصیل در کالج تغییرات عمده‌ای در زندگی تجربه می‌کنند. دور شدن از خانه اغلب باعث می‌شود آنها به دنبال راه‌های جدیدی برای برقراری ارتباط با والدین و خانواده خود باشند.» رابطه بین تعامل خانوادگی آنلاین و آفلاین یکی از دغدغه‌های این پژوهش هست و یافته‌ها حکایت از همبستگی مثبت میان این دو دارند.

اونیتور و اوکپارا^۱ (۲۰۱۹) پژوهشی را در کشور نیجریه - که قبیله‌گرایی، خانواده‌گرایی و تمایل به زندگی در خانواده گسترده هنوز هم در آن پررنگ هستند - برای فهم تغییرات حاصل از تعامل به‌واسطه تکنولوژی‌های رسانه‌ای انجام دادند. آنها در مقاله‌شان «ارتباطات انسانی در عصر دیجیتال: چشم‌اندازهای ارتباط بین‌فردی در خانواده» به این نتیجه رسیدند که اکثر اعضای خانواده به دلیل تعامل مداوم با فناوری‌ها علاقه خود را برای برقراری ارتباط بین‌فردی با یکدیگر از دست می‌دهند. به‌طورکلی ارتباطات انسانی از طریق فناوری ارتباطات اغلب احساس جدایی، دور بودن، بی‌تفاوتی و فاصله بین طرفین را ایجاد می‌کند (اونیتور و اوکپارا، ۲۰۱۹، ص. ۴۱-۴۴) این مطالعه نشان می‌دهد که تقلیل‌گرایی نشانه‌ای (که در ارتباطات رسانه‌ای اتفاق می‌افتد) و عدم خود افشاگری اغلب اعضای خانواده را از هم جدا می‌کند.

دسته سوم: با توجه به اینکه خانواده کوچک‌ترین گروه اجتماعی است، مطالعه تحقیقاتی که در مورد تفاوت‌های کنش گروهی در فضای مجازی با کنش گروهی در فضای واقعی نوشته شده‌اند، برای این بعد از تحقیق مفید خواهند بود؛ برای مثال کارتونی و تاردینی^۲ (۱۳۹۱) در مقاله «اینترنت: جماعت‌ها و عملکردها» با یک نگاه انتقادی به خوانش جماعت‌های (گروه‌های) مجازی می‌پردازند. آن دو با معرفی سه

1. Onyator & Okpara

2. Cantoni & Tardini

عامل سازنده جماعت‌ها، ۱ تعلق؛ ۲ هویت؛ ۳ علاقه. به مطالعه موردی هریک در گروه‌های مجازی می‌پردازند و نشان می‌دهند جماعت‌های الکترونیکی بیشتر متکی بر روابط ضعیف هستند و همین سبب ناپایداری آنها می‌شود. از سوی دیگر هویت سیال و انتخابی کاربر در فضای مجازی به ناپایداری چنین روابطی دامن می‌زند. یوسفی و اجاقلو (۱۳۹۶) در مقاله‌شان با عنوان «آثار ارتباطات مجازی بر بیگانگی جمعی» نشان می‌دهند زنانگی و سابقه داشتن ارتباط موجب می‌شود تعاملات مجازی به کاهش فاصله‌های اجتماعی بیانجامد، اما مردانگی و سابقه نداشتن ارتباط موجب می‌شود تعاملات مجازی به افزایش فاصله اجتماعی منجر شود. مک‌کنا و گرین^۱ (۲۰۰۲) در «دینامیک گروه» به شباهت‌ها و تفاوت‌های گروه‌های مجازی و واقعی می‌پردازند. عبداللهیان و شیخ انصاری (۱۳۹۲) در مقاله «تبیینی بر همبستگی بین شدت استفاده از فیس‌بوک و سرمایه اجتماعی کاربران فیس‌بوک» نشان می‌دهد که بین افزایش شدت استفاده از فیس‌بوک و سرمایه اجتماعی پیوند بخش و سرمایه اجتماعی نگهدارنده کاربران فیس‌بوک همبستگی مثبت وجود دارد و شبکه اجتماعی فیس‌بوک پیوندهای ضعیف را تقویت می‌کند. خانیکی و خجیر (۱۳۹۷) در مقاله «گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی مجازی» گرچه با نگرش اجتماعی و سیاسی به امکان شکل‌گیری گفتگو میان افراد در این فضا می‌پردازند اما نتایج حاصل قابل‌تعمیم به ارتباطات خانوادگی نیز هستند. آنها با تحلیل سیستماتیک پژوهش‌های مرتبط به سه نوع دیدگاه امکان گفتگو، امتناع گفتگو و امکان مشروط گفتگو رسیدند که ویژگی‌های فضای مجازی، ساختار و ویژگی‌های فنی شبکه، ویژگی‌های عامل (کاربر) و ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در امکان یا عدم امکان شکل‌گیری گفتگو نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

به‌طورکلی پژوهش‌های این حوزه نشان می‌دهند ویژگی‌های فضای مجازی سبب شده گروه‌های فعال در آن عملکردی متفاوت از محیط واقعی از خود نشان دهند. همچنین تعامل میان فضای مجازی و فضای واقعی می‌تواند بر روابط گروهی اثرگذار باشد و شکل جدیدی از روابط را رقم بزند. برخی این تعامل را سبب تقویت روابط گروهی و عده‌ای سبب تضعیف آن می‌دانند.

در حالی که ارتباط با خویشاوندان در کشور ما هنوز هم اهمیت بالایی دارد، هیچ پژوهشی حول ارتباطات خویشاوندی یا حتی خانوادگی (خانواده هسته‌ای) در فضای مجازی در داخل کشور مشاهده نشد. پژوهش‌های غربی هم که در این زمینه به دست آمدند - احتمالاً به دلیل فضاهاى فردگرایانه موجود در غرب - تنها بر ارتباطات میان اعضای خانواده هسته‌ای متمرکز هستند و عمدتاً به ارتباطات خویشاوندی نمی‌پردازند. تفاوت‌های فرهنگی میان کشورها، انجام پژوهش‌هایی را در داخل کشور ضروری ساخته است؛ برای مثال در حالی که در تحقیقات موجود در غرب به تبعات اجتماعی ارتباطات خانوادگی مجازی اکتفا شده، یکی از دغدغه‌های مهم خانواده‌های ایرانی تبعات فرهنگی ارتباطات خانوادگی در فضای مجازی است.

از سوی دیگر مجازی شدن هرچه بیشتر ارتباطات اجتماعی و به تبع آن ارتباطات خانوادگی و خویشاوندی به واسطه بحران کرونا، آسیب‌شناسی این ارتباطات را ضروری‌تر ساخته و نیاز به راهکارهای مؤثر برای حفظ و تقویت پیوندهای خانوادگی در فضای مجازی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

۳. مفاهیم نظری

در این پژوهش از دو مفهوم «گیمین‌شافت» و «گزل‌شافت» برای توصیف تغییرات حاصل از «دو فضایی شدن ارتباطات» خویشاوندی استفاده خواهد شد.

۳.۱. گیمین‌شافت - گزل‌شافت

یکی از نظریه‌پردازانی که تمایز جهان قدیم و جدید را در تغییر نحوه ارتباطات افراد جستجو می‌کند و در این میان نگاه ویژه‌ای به تغییرات نظام خویشاوندی دارد، فردیناند تونیس^۱ است. تونیس ریشه جامعه جدید را در انواع تازه ارتباطات می‌داند. به عبارتی وی معیار تفکیک و تمایز جهان قدیم و جدید را روابط میان افراد می‌داند. تونیس با تمایز میان گیمین‌شافت و گزل‌شافت بر تحول روابط اجتماعی تأکید دارد. از منظر وی به لحاظ ارتباطی، گیمین‌شافت و گزل‌شافت از جهت «سطح یا گستره ارتباط»، «عمق ارتباط» و «نوع ارتباط» متفاوت هستند.

1. Ferdinand Tönnies

در اجتماع یا گمین‌شافت «ارتباط» محدود و غیر متراکم است؛ عمیق و ناشی از شناخت کامل اعضا نسبت به هم و پیشینه هم است؛ ارگانیک یا ذاتی و طبیعی است و هر حرکت نه در خدمت فرد و مصالح شخصی، بلکه در خدمت جمع و بر مبنای سلیقه مشترک یا سنت است.

در جامعه یا گزل‌شافت «ارتباط» گسترده و متراکم است؛ که خود موجب عدم امکان شناخت متقابل می‌شود؛ سطحی، گذرا و محدود است؛ سنجیده است، به این معنا که هر عمل انسان، تابعی از عقل‌گرایی و مصلحت‌اندیشی وی است^۱ (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳، صص. ۳۵-۳۶).

ساروخانی در دایره‌المعارف علوم اجتماعی معنای دقیق‌تر دو گانه تونیس را «جامعه معنوی^۲ - جامعه صوری^۳» می‌داند و تأکید می‌کند هر دو این مفاهیم به نظام اجتماعی تصویری و نه واقعی اشاره دارند و در واقعیت تنها «شبه جامعه صوری» یا «شبه جامعه معنوی» دیده می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۰، صص. ۲۹۰-۲۹۵).

۳.۲. دو فضایی شدن

در عصر جدید که سخن از ظهور دو فضای ارتباطی و تأثیر و تأثرات این دو بر یکدیگر به میان می‌آید، تبیین ارتباطات به یک الگوی چندوجهی نیاز دارد. به این منظور نظریه دو جهانی شدن، دو فضایی شدن دگر عاملی مورد استفاده قرار می‌گیرد. دو فضایی شدن، در درجه اول به تبیین و متمایز کردن دو جهان موازی و درعین حال در ارتباط با یکدیگر می‌پردازد و جهانی‌شدن‌های متکثری را در این دو جهان موازی مورد توجه قرار می‌دهد. با این نگاه، جهان اول منعکس‌کننده جهان واقعی، عینی، محسوس و با بدن است که درعین حال حس قدیم‌تری نسبت به آن وجود دارد. جهان دوم که به نوعی، تکرار جهان اول در فضای مجازی است، جهانی مبتنی بر چرخه

۱. تونیس آنچه را که انسان آموخته است و شیوه تفکر و برداشتی را که از نیاکانش به ارث برده است و بر احساس، قلب و وجدان وی تأثیر می‌گذارد را اراده طبیعی می‌نامد. در مقابل، اراده عقلانی وجود دارد که بر اندیشه حاکم است و کنشگر را هدایت و راهنمایی می‌کند. این اراده بانگیزه‌های ناخودآگاهی که در طبع بشر و اراده طبیعی‌اش قرارداد مقابله می‌کند و تا سرحد امکان خودآگاه است (وارتز (گردآوری)، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۵).

۲. گیمان‌شافت

۳. گزل‌شافت

رمزگذاری، رمزگان و رمزگشایی است که هم‌زمان با ظهور صنعت ارتباطات شکل گرفته است. با توجه به ظرفیت‌های گسترده، دسترسی گسترده و محدودیت‌های کمتر جهان دوم، رقابت جدی بین این دو جهان در حال شکل‌گیری است که ممکن است به غلبه جهان دوم بر جهان اول منتهی شود. از خصوصیات برجسته جهان اول می‌توان به ۱. جغرافیا داشتن، ۲. چسبیدگی به نظام‌های دولت-ملت، ۳. فرهنگ خاص داشتن و ۴. عینی و محسوس بودن اشاره کرد.

جهان دوم از خصیصه کلی توسعه جهانی و فضای واحد برخوردار است که با خصوصیات مثل: ۱. بی‌مکانی، ۲. نمادین بودن، ۳. واقعیت مجازی، ۴. دسترسی‌پذیری همیشگی و ۵. بی‌بدن بودن می‌توان آن را از جهان اول متمایز کرد. دو جهانی شدن بر نوعی گونه‌شناسی هندسی از جهان‌های معاصر متکی است؛ به این معنا که جهانی ورای جهان فیزیکی قائل است. دو جهانی شدن‌ها، وجود دو جهان موازی را مفروض می‌گیرد و همه تحولات جهان جدید را در این ظرف دو فضایی شده به بحث می‌گذارد (عاملی، ۱۳۹۵، صص. ۸۷-۸۸).

در ادامه دو مفهوم اصلی که در پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند معرفی می‌شود:

۳.۳. روابط خویشاوندی

خویشاوندی شبکه‌ای وسیع و دربرگیرنده مجموعه‌ای از پیوندهاست که به دلیل قرابت نسبی و سببی یا رضاعی بین عده‌ای از افراد به وجود می‌آید و موجب تعهد و مسئولیت افراد نسبت به یکدیگر می‌گردد. در نتیجه شبکه‌ای را به وجود می‌آورد که از قدرت زیادی برخوردار است (وثوقی، ۱۳۸۰، ص. ۱۳۳ به نقل از اطیابی، ۱۳۸۶، ص. ۵۲). در جوامع سنتی‌تر، شدت بیشتری در این روابط دیده می‌شود؛ اما در جوامع صنعتی خانواده هسته‌ای غلبه دارد و نظام خویشاوندی اهمیت خود را از دست داده، خویشاوندان دور به‌ندرت باهم ارتباط دارند یا تنها در موقعیت‌های خاص مانند اعیاد یا مراسم عزاداری با یکدیگر برخورد می‌کنند (کوئن، ۱۳۷۲، ص. ۱۷۶ به نقل از اطیابی، ۱۳۸۶، ص. ۵۳).

۳.۴. گروه‌های مجازی (جماعت‌های مجازی)

به‌طور کلی یک جماعت می‌تواند دربرگیرنده افرادی باشد که در مسائل کم‌وبیش

سرنوشت‌ساز زندگی‌شان با یکدیگر سهیم هستند و نیز کسانی که با روابط کم‌وبیش قوی با یکدیگر گره خورده‌اند. فناوری‌های جدید موجب ظهور شکل جدیدی از جماعت می‌شوند: «جماعت‌های مجازی نوع جدیدی از جماعت هستند که ظهورشان مدیون ارتباطات رایانه-واسط است. عناصر اصلی جماعت‌های مجازی: محیط ارتباطی مشترک؛ روابط بین‌فردی که به‌وسیله تعامل آنلاین پدید می‌آیند و ادامه می‌یابند؛ حس تعلق به یک گروه؛ ساختار داخلی یک گروه؛ فضای جمعی نمادین که به‌وسیله علائق، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک بازنمایی می‌شود» (کاتونی و تاردینی، ۱۳۹۱، صص. ۲۰۸-۲۰۷).

۴. روش

۴.۱. گردآوری داده‌ها

گردآوری داده‌های پژوهش پیش رو با استفاده از مصاحبه نیمه ساخت‌یافته از بیست نفر از اعضای گروه‌های خانوادگی انجام شد که برخی از آنها در دو یا سه گروه عضو بودند. مصاحبه‌ها به‌صورت حضوری و مجازی و با سؤالات شانزده‌گانه آغاز شد.^۱ در طول مصاحبه بسته به پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان سؤالات جدیدی نیز اضافه شدند. روش نمونه‌گیری: بیشتر شیوه‌های نمونه‌گیری در روش‌های کیفی، مبتنی بر احتمالات تصادفی که در آن همه آحاد جامعه برای انتخاب شدن شانس برابر و مستقل دارند نیستند. به‌طورکلی این پژوهش‌ها مبتنی بر داده‌های آماری نیستند که قابل‌تعمیم باشند. تأکید پژوهش‌های کیفی بر معناها و برداشت‌های مردم از کنش‌های اجتماعی است و هدف فهم کیفیت منحصربه‌فرد پدیده‌های اجتماعی است نه اینکه آیا به شکلی طبیعی در جامعه توزیع شده‌اند یا نه؟ لذا بیشتر پژوهش‌های کیفی از نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌کنند (لیندلف و تیلور^۲، ۱۳۹۲، صص. ۱۹۴). در این پژوهش برای نمونه‌گیری از روش گلوله برفی^۳ استفاده شد. این روش برای مطالعه شبکه‌های اجتماعی و دسته‌های پراکنده‌ای که فعالیت و خصوصیات مشترکی دارند بسیار مناسب است

۱. سؤالات در پیوست آمده است.

2. Lindlof & Taylor
3. Snowball sampling

(لیندلف و تیلور، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۴). در هر مصاحبه افراد آشنایانی (خانوادگی، دوستی، شغلی) را که در گروه‌های خانوادگی عضو بودند را معرفی می‌کردند. تلاش شد از میان این افراد تنوع در نگرش‌ها، سن و جنس لحاظ شود. دلیل انتخاب تلگرام، تمرکز بیشتر گروه‌های خانوادگی در این پلتفرم (سکو) در زمان انجام این پژوهش بود.

۴.۲. تحلیل داده

داده‌ها با روش تحلیل مضمون و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیو دی‌ای مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفتند. در این روش، مضامین یا الگوهای داده‌ها را می‌توان به روش استقرایی (مبتنی بر داده) و روش قیاسی (مبتنی بر نظریه) شناخت. در روش استقرایی، مضامین شناخته‌شده، به‌شدت با خود داده‌ها مرتبط هستند و از دل آنها بیرون می‌آیند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۱۴). در این پژوهش از روش استقرایی برای استخراج کدها استفاده شده است. به دلیل تنوع روش‌های به‌کار رفته در تحلیل مضمون و تنوع دیدگاه صاحب‌نظران، عناوین و طبقه‌بندی‌های مختلفی برای مضامین وجود دارد. برخی پژوهشگران، مضامین را به‌لحاظ ماهیت و برخی دیگر به‌لحاظ جایگاه و سلسله‌مراتب آنها در تحلیل مضمون، دسته‌بندی کرده‌اند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). مدل مورد استفاده در این پژوهش شبکه مضامین است که یک روش غیر سلسله‌مراتبی محسوب می‌شود. کدهای شکل‌دهنده به شبکه مضامین در سه سطح تعریف می‌شوند:

۱. مضامین پایه^۱: مقدمات پایه‌ای که در متن مشهود است.
۲. مضامین سازمان‌دهنده^۲: مفاهیم انتزاعی‌تر که حول مضامین پایه شکل می‌گیرند و توانایی سازمان‌دهی آنها را دارند. این کدها مضامین پایه را به‌صورت دسته‌ای از موضوعات مشابه سازمان‌دهی می‌کند.
۳. مضامین فراگیر^۳: که مفاهیم و استعاره‌های کلی متن را نشان می‌دهند. یک مضمون فراگیر از این جهت که یک نتیجه‌گیری یا اصل نهایی است مانند یک

1. Basic Theme
2. Organising Theme
3. Global themes

ادعا عمل می‌کند (آترید-استرلینگ^۱، ۲۰۰۱، ص. ۳۰۹). مضامین فراگیر در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد و سایر مضامین حول آن تعریف می‌شوند. در این مقاله مضامین سازمان‌دهنده‌ی حذف محدودیت‌های مکانی - زمانی، حذف حریم‌ها در فرآیند ارتباطی، حذف ملاحظات تخاطب همچون سن و جنس، حذف لحن و احساس کلام مضمون فراگیری به نام «فاصله‌زدایی» را شکل دادند و مضامین سازمان‌دهنده‌ی کاهش صمیمیت و همدلی، افت کیفیت و کمیت روابط حضوری و اختلال در روابط خانوادگی مضمون فراگیری به نام «فاصله‌زایی» را به وجود آوردند. هرکدام از مفاهیم سازمان‌دهنده نیز مضامین پایه دیگری را پوشش می‌دهند که در شبکه مضامین به آن پرداخته شده است.

۵. گزارش یافته‌ها

از مجموع بیست و سه گروه مورد مطالعه، نه گروه فامیلی مخصوص خانم‌ها بودند؛ اما هیچ گروه فامیلی که کل اعضای آن مرد باشند در نمونه‌ها دیده نشد. به نظر می‌رسد خانم‌ها تمایل بیشتری به حفظ و ارتقاء پیوندهای خانوادگی دارند.

۵.۱. نسبت حضور زنان و مردان در گروه‌های خانوادگی

با احتساب اینکه خانم‌ها گروه‌های فامیلی مخصوص به خود را دارند ولی آقایان چنین گروه‌هایی ندارند. در یک نسبت کلی حضور خانم‌ها در گروه‌های خانوادگی بسیار پررنگ‌تر از حضور آقایان است.^۲

۵.۲. زمان حضور در گروه‌های خانوادگی

حضور در گروه‌های فامیلی تنها دو درصد از کل زمان حضور افراد در تلگرام را به خود اختصاص می‌دهد.^۳

1. Attride-Stirling

۲. در پژوهش پیش رو زنان ۷۶ درصد اعضای گروه‌های فامیلی را تشکیل می‌دادند و مردان ۲۴ درصد. در گروه‌های مختلط ۳۹ درصد اعضا را مردان و ۶۱ درصد آن را زنان تشکیل می‌دهند.

۳. زمان حضور در تلگرام و گروه‌های خانوادگی بر مبنای دقیقه در روز از افراد سؤال شد. حضور در گروه‌های خانوادگی به‌طور متوسط ۸ دقیقه و استفاده روزانه از تلگرام به‌طور متوسط ۲۹۰ دقیقه از وقت افراد را به خود اختصاص می‌داد.

۵.۳. موضوعات مورد پرداخت در گروه‌های خانوادگی

به صورت کلی پرداختن به مباحث غیر خانوادگی (اخبار علمی، جوک، مباحث سیاسی، مباحث مذهبی و...) در این گروه‌ها بیش از مباحث خانوادگی گزارش شد. سهم بیشتر در مباحث خانوادگی به بیان شادی‌های خانواده تعلق دارد و سهم کمتر به مشکلات و نیازهای اعضای خانواده.

بر اساس مصاحبه‌های انجام شده بیشتر پیام‌های گروه‌های خویشاوندی بازنشری و غیرتولیدی هستند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه می‌گوید: «چون پیام‌ها غالباً فورواردی هستند، این گروه با سایر گروه‌هایی که در آن عضو هستم تفاوتی ندارد و جذابیت زیادی برای دنبال کردن ندارد».

۵.۴. میزان پایداری و ثبات گروه‌های خانوادگی

گروه‌های بزرگ که شامل لایه‌هایی از فامیل بودند که تاکنون به صورت فیزیکی رؤیت نشده بودند یا به ندرت با آنها ارتباط حضوری وجود داشت، از سایر گروه‌ها متزلزل‌تر و بحث‌برانگیزتر بودند و بیش از سایرین در معرض ازهم‌پاشیدگی قرار داشتند. گروه‌های کوچک، شامل خانواده درجه یک و دو با عقاید و افکار مشترک بیشترین رضایت و ماندگاری را در پی داشتند.

۵.۵. انگیزه‌ی ایجاد گروه‌های خانوادگی

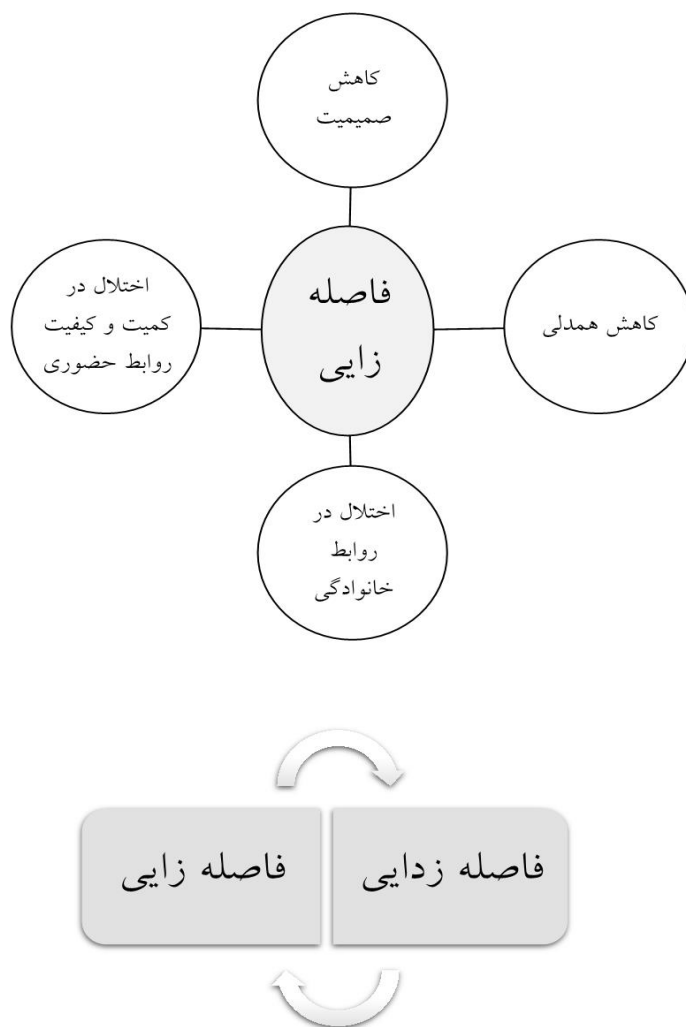
در این مصاحبه دو نوع انگیزه برای برقراری ارتباطات دیده شد که سهم عمده آن به احساس خلأ و دوری از خویشان و تقویت روابط خانوادگی اختصاص داشت. رتبه بعدی به دغدغه‌های فرهنگی بزرگان فامیل و نگرانی از آسیب‌هایی که امروزه گریبان گیر اعضای جوان خانواده شده است مربوط می‌شد. بسیاری از افراد میان‌سال از شکاف نسلی با جوان‌ها و کمرنگ شدن ارزش‌های خانوادگی در میان آنها نگران بودند و با ایجاد این گروه‌ها تلاش می‌کردند تا نزدیکی و همبستگی بیشتری میان اعضای خانواده ایجاد کنند و از این طریق ارزش‌های خانوادگی را حفظ یا احیا کنند.

۶. تحلیل یافته‌ها

در روند تحلیل مضمون به دو مضمون فراگیر «فاصله‌زدایی» و «فاصله‌زایی» رسیدیم که

بیشترین تبیین‌کنندگی را برای دو فضایی شدن روابط خویشاوندی داشتند. در ادامه مضامین سازمان‌دهنده و پایه هرکدام از این مضامین فراگیر و همچنین رابطه این مضامین را با یکدیگر بیان خواهند شد.

نکته: مضامین زیر از طبقه‌بندی و توصیف ذهنیت‌ها و تصورات مصاحبه‌شوندگان در مورد گروه‌های تلگرامی خانوادگی به دست آمده است؛ لذا در برخی موارد ممکن است رابطه منطقی میان نظرات مصاحبه‌شوندگان در یک نگاه کلان وجود نداشته باشد یا حتی اظهارنظرها متناقض به نظر برسد. در نتیجه‌گیری به تجزیه و تحلیل یافته‌ها از یک نگاه کلی و از دید پژوهشگر پرداخته شده است.



(روابط میان دو مضمون فراگیر)

دو فرآیند هم‌زمان، حاصل دو فضایی شدن ارتباطات خویشاوندی

مضمون فراگیر اول: فاصله‌زدایی

شبکه‌های اجتماعی مجازی با امکانات و ویژگی‌های خاص خود یعنی بی‌مکانی، دسترسی‌پذیری همیشگی و بی‌بدن بودن (عاملی، ۱۳۹۵) محدودیت‌های زمانی و مکانی جهان اول را تا حد زیادی از میان برداشته‌اند و گستره ارتباطات را افزایش داده‌اند؛ لذا مانعیت فاصله‌های مادی در ارتباطات خویشاوندی تقریباً از بین رفته و از این حیث افراد به هم نزدیک‌تر شده‌اند.

ارتباطات مجازی خویشاوندی همچنین با برداشتن بسیاری از فاصله‌ها یا مرزبندی‌های ذهنی یا قراردادی، همچون حریم میان محرم و نامحرم یا حذف ملاحظات سنی تخاطب مثل احترام بزرگ‌تر و کوچک‌تر مناسبات جدیدی را رقم می‌زند.

چهار مضمون سازمان‌دهنده «حذف محدودیت‌های مکانی-زمانی»، «حذف ملاحظات ارتباطی تخاطب»، «حذف لحن و احساس کلام» و «حذف حریم‌ها» ذیل مضمون «فاصله‌زدایی» قرار می‌گیرند.

۱. حذف محدودیت‌های مکانی-زمانی

ارتباطات خویشاوندی دو فضایی شده با حذف محدودیت‌های مکانی و زمانی سبب «افزایش دفعات ارتباط‌گیری»، «افزایش بازه زمانی برقراری ارتباط» و «سهولت ارتباط» شده‌اند.

۱.۱. افزایش دفعات ارتباط‌گیری: بسیاری از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند دفعات ارتباطشان باهم با حضور در گروه‌های مجازی بیشتر شده است و برخی از این روند احساس رضایت داشتند.^۱

۲.۱. افزایش زمان‌های ارتباط‌گیری: برخی افراد از اینکه به واسطه فضای مجازی هر لحظه می‌توانند از حال هم مطلع شوند ابراز خشنودی می‌کردند، این کار غالباً یا با پرس‌وجو و یا از طریق رصد پروفایل‌ها (که حس و حال افراد را منعکس می‌کند)

۱. البته یکی از مصاحبه‌شوندگان به نکته قابل تاملی اشاره کرد: «در گروه‌های خانوادگی همه افراد فعال نیستند و افزایش دفعات ارتباط تنها با افرادی معنا دارد که پیام می‌گذارند که غالباً دو یا سه نفر هستند».

انجام می‌گیرد. البته این افزایش بالقوه زمان ارتباط‌گیری از دید برخی آسیب‌زا بود: «از همه مشکلات مهم‌تر بی‌نظمی هست؛ چون وقت و بی‌وقت یک عده آنلاین‌اند و ممکنه یه معرکه به پا کنند که بشه دردسر برا دیگران و این زمان زیادی از اعضا تلف می‌کند، برعکس دید و بازدیدای قدیم که زمان مشخصی داشت روزانه، هفتگی، ماهیانه، سالانه خلاصه زمان داشت».

۳.۱. سهولت ارتباطات: برقراری ارتباط در جهان اول مستلزم برپایی مهمانی و یا سفر به مناطق دوردست هست که گاهی هزینه و وقت زیادی را از خانواده‌ها می‌گیرد؛ اما در ارتباطات دو فضایی شده خویشاوندانی که به سبب محل زندگی یا تحصیل از یکدیگر دور شده‌اند و امکان تعامل رودررو ندارند، بدون سفر به هم نزدیک می‌شوند و امکان تعامل پیدا می‌کنند. همچنین برقراری ارتباط با خویشاوندان دیگر مستلزم برپایی مهمانی و خرج دادن نیست. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه می‌گوید: «از یه جهتی هم چون شرایط اقتصادی خانواده‌ها سخت شده یکم پذیرش مهمون سخت شده برای همه-البته چون چشم‌وهم‌چشمی زیاد شده ها من خیلی اینو قبول ندارم- ولی به‌هرحال چیزیه که تو جامعه خیلی مردم درگیرش هستن، (دوره‌می‌های) شبکه‌های مجازی خلاصه و مفید و ساده با کمترین هزینه همون کار رو میکنن».

موارد بالا سبب تغییراتی در شیوه و نوع ارتباطات خویشاوندی شده است و تبعاتی در پی داشته است. در ادامه به برخی از این تبعات اشاره می‌شود.

۳.۴. افزایش تعداد افراد مرتبط: نتایج نشان داد در گروه‌هایی که لایه سوم و چهارم خویشان را در برمی‌گرفت افرادی حضور داشتند که به‌طور معمول به‌ندرت با آنها رابطه حضوری برقرار می‌شود و یا در گذشته با آنها هیچ‌گونه رابطه رودررویی وجود نداشته است. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان از اینکه می‌توانستند با تعداد بیشتری از فامیل ارتباط برقرار کنند و تعامل داشته باشند ابراز خشنودی و رضایت کردند. البته برخی چنین ارتباطی را بسیار سطحی و شکننده عنوان کردند و عده‌ای نیز می‌گفتند که نسبت به‌طرف مقابل هیچ حس خاصی ندارند؛ به عبارتی بیش از اینکه احساس مثبتی به فرد داشته باشند آشنایی با وی برایشان جالب است.

۳.۵. افزایش در معرض قرارگیری امکانات و بالا رفتن احتمال چشم‌وهم‌چشمی:

در گروه‌های خویشاوندی که عکس‌های زیادی به اشتراک گذاشته می‌شود چشم‌وهم‌چشمی بیشتری اتفاق می‌افتد. از رویدادهای روزمره‌ای مانند پخت غذا گرفته تا وقایع حساس‌تر مانند هدیه‌های مناسبتی «مثلاً خانم‌های گروه از هم می‌خواهند که عکس هدیه روز زنشان را به اشتراک بگذارند!»؛ به عبارتی اگر در ارتباطات خویشاوندی حضوری هرچند وقت یک‌بار امکانات خانوادگی در معرض دید قرار می‌گرفت و افراد از برخی امکانات هم هیچ‌گاه مطلع نمی‌شدند؛ گروه‌های خانوادگی این در معرض‌گیری را هر روزه و هر ساعت کرده‌اند.

۳.۶. امکان شکل‌گیری روابط خصوصی بدون نظارت دیگران: معمولاً در

فضاهای خانوادگی واقعی امکان خلوت دو عضو جوان و نامحرم خانواده یا روابط خصوصی میان اعضای نامحرم دیگر به‌ندرت پیش می‌آید؛ اما این گروه‌ها به‌موازات خود چنین فضایی را به‌صورت بالقوه فراهم می‌کنند.

۲. حذف ملاحظات ارتباطی تخاطب:

در حالت عادی خویشاوندان ملاحظات بسیاری برای برقراری ارتباط با یکدیگر دارند و سخنان خود را از چند فیلتر عبور می‌دهند؛ اما نتایج تحقیق نشان داد چنین ملاحظاتی در روابط مجازی بسیار کمرنگ می‌شود.

۲.۱. حذف ملاحظات اخلاقی: یکی از آسیب‌های پرتکرار گروه‌های خویشاوندی

از بین رفتن ملاحظات اخلاقی است که در جمع‌های حضوری به‌صورت طبیعی رعایت می‌شود.

۲.۲. حذف ملاحظات سنی و جنسیتی: یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه

چنین می‌گوید: «در حالت عادی دخترهای فامیل باهم می‌نشینند، مادرها باهم، پدر و پسرها باهم اما در این گروه‌ها همه باهم هستند و ممکنه پیام‌هایی را دریافت کنند که مناسب سنشان نیست». دیگری با اشاره به عدم در نظر گرفتن تأهل و مجرد افراد می‌گوید: «هرکی هرچور کلیپی رو می‌فرسته نگاه به سن و سال اعضا نمی‌کنند». همین مسئله آسیب‌های زیادی را متوجه اعضای کم سن و سال گروه‌های خویشاوندی کرده

است.

از تبعات این روند، گسترده شدن و درعین حال سطحی تر شدن شناخت از خویشاوندان است. تقریباً همه مصاحبه‌شوندگان ابراز داشتند که گروه‌های مجازی فضای خوبی برای شناخت بیشتر افراد به وجود آورده است و جوهی از شخصیت آنها را به معرض نمایش می‌گذارد که معمولاً در دورهمی‌ها و روابط حضوری بروز نمی‌دهند. آنها در این فضا راحت تر نظرات شاذ خود را مطرح می‌کنند یا مخالفت خود را ابراز می‌دارند. برخی این ویژگی را مثبت دانستند اما غالباً اظهار داشتند این شناخت گسترده تر نه تنها موجب افزایش صمیمیت نشده است بلکه از آن جهت که زمان و بستر مطلوب برای بحث اقناعی در این فضا وجود ندارد به سمت سوء تفاهم و جدل کشیده و موجب ایجاد شکاف بین اعضای خانواده می‌شود. مصاحبه‌شوندگان به کرات از خروج افراد از گروه یا حتی انحلال گروه به دلیل چنین بحث‌هایی شکایت می‌کردند. باید توجه داشت که بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی که در فضای مجازی بروز می‌کند، نه حاصل نمایش خود واقعی فرد بلکه برآیندی از اقتضائات و جریان‌های موجود در فضای مجازی است که یک تصویر سطحی از افراد به دست می‌دهد.

۳. حذف لحن و احساس کلام:

این مضمون یکی از پرتکرارترین نگرانی‌های مصاحبه‌شوندگان بود که موجب «سطحی شدن روابط»، «تصنعی شدن روابط»، «تأثیرگذاری کمتر» و «ایجاد احساس کاذب به افراد» می‌شود.

۳.۱. سطحی شدن روابط: برخی از مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند به دلیل حذف لحن و احساس کلام در این بستر، معنا به شکل صحیح منتقل نمی‌شود و همین مسئله سبب سطحی شدن روابط و بروز سوء تفاهمات بسیار می‌شود.

۳.۲. تصنعی شدن روابط: تعداد زیادی از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند با حذف لحن و احساس کلام روابط در فضای مجازی به سمت مصنوعی شدن و نمایشی شدن پیش می‌رود؛ یعنی هرگونه احساسی اعم از شادی یا غم یا صمیمیت و همدردی در این فضا حقیقی نیست و به گونه‌ای نمایشی و تصنعی شده و طبیعتاً می‌تواند به طور

اغراق آمیز بیان شود. این ویژگی می‌تواند با نمادین بودن روابط مجازی در مقابل محسوس و عینی بودن روابط در جهان اول مرتبط باشد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه می‌گوید: «ممکن است ارتباطها مصنوعی بشود، شبه ارتباط باشد یعنی افرادی در تلگرام گرم هستند و مهربان هستند ولی در عالم واقع به هم محبت ندارند».

۳.۳. تأثیرگذاری کمتر: حذف عناصر کمکی مانند لحن و احساس از روابط سبب کاهش تأثیرگذاری آن می‌شود. بسیاری معتقد بودند تأثیرگذاری در این محیط طبیعی نیست و برخی سعی در دیکته کردن عقاید خود به دیگران دارند که گاهی نتیجه معکوس به جا می‌گذارد. در نهایت گرمی و تأثیرگذاری دوره‌های حضور بسیار بیشتر ارزیابی شد.

۳.۴. ایجاد احساس کاذب به افراد: حذف لحن و احساس کلام این امکان را می‌دهد که در دنیای مجازی انسان‌ها راحت‌تر رفتارهایی متفاوت از شخصیت حقیقی‌شان بروز دهند. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «اتفاق افتاده در گروه‌های خویشاوندی مجازی از یک نفر بسیار خوشم آمده درحالی‌که وقتی وی را ملاقات کردم بسیار حس بدی نسبت به وی داشتم».

۴. حذف حریم‌ها:

حذف حریم‌ها در فضای مجازی سبب «حیا زدایی» و «هنجارشکنی» می‌شود.

۴.۱. حیا زدایی: یکی از مصاحبه‌شوندگان با اشاره به حدیثی از امام علی (علیه‌السلام) می‌گوید: «حیا در چشم قرار دارد وقتی عنصر نگاه حذف می‌شود حیا تا حد زیادی از بین می‌رود و بسیاری از قبح شکنی‌ها از جمله شکستن احترام دیگری اتفاق می‌افتد». مضمون «بی‌احترامی» یکی از بیشترین فراوانی را در میان مضامین مطرح شده به خود اختصاص داده است. یکی از مشکلات اساسی گروه‌های خویشاوندی عدم رعایت احترام یکدیگر، عدم توجه به بزرگ‌تری و کوچک‌تری و یا سلسله‌مراتب خویشاوندی عنوان شده است. در این فضا همه در یک جایگاه مساوی قرار دارند. یکی از مصادیق دیگر از بین رفتن حیا، شوخی‌های بی‌ضابطه میان غیر محارم عنوان شد که به مرور زمان عادی‌سازی می‌شود.

۴.۲. هنجارشکنی از ارزش‌های خانوادگی: تعاملات مجازی با القای حس آزادی، هنجارشکنی‌ها را در گروه‌های خویشاوندی مجازی از دوره‌های حضور بیشتر ساخته است.

مضمون فراگیر دوم: فاصله‌زایی

یکی از ویژگی‌های دیگر ارتباطات مجازی خویشاوندی فاصله‌زایی میان افراد است. گاهی فاصله‌زدایی غیراصولی به فاصله‌زایی می‌انجامد؛ برای مثال یکی از ویژگی‌های زندگی آپارتمانی (که فاصله‌خانه‌ها از یکدیگر را به حداقل ممکن رسانده است) پررنگ شدن حریم‌ها و کمرنگ شدن روابط همسایگی است؛ به عبارتی افراد با نزدیک و نزدیک‌تر شدن به یکدیگر از لحاظ فیزیکی، به دلایل مختلفی مانند صیانت از حریم خصوصی، از لحاظ روحی از یکدیگر دور و دورتر می‌شوند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نزدیکی بیش‌ازحد افراد در گروه‌های مجازی سبب پررنگ‌تر شدن حریم‌های عاطفی میان آنها شده است.

۱. کاهش صمیمیت: بیشتر مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند که با ظهور گروه‌های مجازی روابط صمیمانه آنها یا کاهش یافته و یا تغییری نکرده و تعداد بسیار کمتری قائل به صمیمانه‌تر شدن روابط بودند. یکی از اعضا در مورد صمیمیت اعضای گروه فامیلی می‌گوید: «حتی میتونم بگم فضای صمیمیت در اقوام مادری هم به خاطر مشاجرات سیاسی تلگرامی، کم‌رنگ‌تر شد و شاید اگر بحث‌های گروه تلگرامی مون نبود، از دیدن (حضور) یکدیگر خوشحال‌تر می‌شدیم». البته بیشتر افرادی که از صمیمانه‌تر شدن روابط صحبت می‌کردند مدیران گروه‌ها بودند و اعضای گروه خیلی ادعای آنها را قبول نداشتند (احتمال دارد چنین گزاره‌ای به‌صورت ناخودآگاه برای توجیه شکل‌گیری و حفظ گروه در ذهن مدیر شکل‌گرفته باشد). یکی از این گروه‌ها به دلیل مشاجرات بیش‌ازحد تا مرز انحلال پیش رفت و برخی از افراد پیام دادند که «ای کاش هیچ‌گاه عضو این گروه نشده بودیم». عده‌ای از اینکه با اقوام دورترشان مرتبط شده‌اند احساس خشنودی می‌کردند، برخی نیز می‌گفتند حسشان نسبت به فامیلی که هرگز ندیده‌اند یا بسیار کم دیده‌اند، «مانند غریبه‌ای هست که در خیابان از کنارمان می‌گذرد» و روابط

مجازی نتوانسته بین آنها صمیمیت و همدلی ایجاد کند.

۲. کاهش همدلی: برخی افراد از اینکه به واسطه گروه‌های مجازی از حال هم خبردار می‌شدند احساس خوبی داشتند و حتی عده‌ای بیان می‌کردند بدون برقراری رابطه و با مشاهده پروفایل افراد می‌توانند از حال و هوا و مشکلات و شادی‌های اطرافیان خبردار شوند و این گام مثبتی در ایجاد همدلی است. البته برخی همدلی در فضای مجازی را بیشتر یک تصور ساده‌انگارانه می‌دانند: «به نظر تصور همدلی بیشتر از خود همدلی ایجاد می‌کند. همدلی واقعی در این فضا کم ایجاد می‌شود؛ مثلاً ما دیشب به یک مهمانی رفتیم که دو ساعت طول کشید و با یکی از اقوام خانمم آشنا شدیم. درحالی‌که اگر همین دو ساعت در گروه مجازی حرف می‌زدیم هیچ اتفاقی نمی‌افتاد و این قدر به هم نزدیک نمی‌شدیم و حس محبت و صمیمیت نمی‌کردیم». فرد دیگری معتقد بود عمق فاجعه در این گروه‌ها به حدی است که «مثلاً مدیر یکی از گروه‌ها بیماری سختی داشت، عمل جراحی و نزدیک یک ماه در بیمارستان بود، افراد مطلع در گروه هیچ اطلاع‌رسانی نکردند بیشتر افراد هم اطلاع نداشتند، حتی در همین ایام به علت نبود مدیر گروه چند بار تنش ایجاد شده و افرادی از گروه خارج شدند». درمقابل، هم عده کمتری معتقد بودند به مباحث همدلانه در این گروه‌ها کمابیش پرداخته می‌شود؛ «مثلاً در این مدت، یکی دوتا مشکلات تصادفی و مریضی بوده در فامیل، دعا می‌کردیم قرار می‌گذاریم ختم صلوات می‌گرفتیم، مثلاً در گروه قرار می‌گذاشتیم در فلان ساعت برایش دعای توسل بخونیم، یا ختم قرآن برگزار کنیم».

۳. اختلال در کمیت و کیفیت روابط حضوری خویشاوندی: درصد زیادی از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند فضای مجازی به طور کلی در روابط رودرروی خانوادگی آنها اختلال ایجاد کرده است یکی از مصاحبه‌شوندگان با اشاره به خاطره‌ای می‌گوید: «دوره‌های حضوری هم تحت تأثیر منفی قرار گرفته، ما مهمانی رفته بودیم از هشت نفر ۶ نفر گوشی دستشان بود تا جایی که هوا تاریک شد و صاحب‌خانه حتی متوجه نشد که برق را روشن کند». دیگری با اشاره به همسرش - که در حال کار با گوشی است - می‌گوید: «به‌مرور زمان فرد معتاد می‌شود و در روابط خانوادگی روزمره هم دچار اختلال می‌شود و گوشی از دستش نمی‌افتد».

از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد تأثیر روابط مجازی بر کمیت روابط خویشاوندی حضوری آنها چگونه است؟ برخی معتقد بودند بعد از شکل‌گیری گروه «احساس اینکه رابطه مورد نیاز و تعامل مورد نیاز شکل گرفته و دیگر نیاز کمتری به دیدار حضوری هست در میان افراد به وجود آمده است». بیشترین پاسخ مربوط به افرادی بود که قائل بودند روابط مجازی در میزان روابط واقعی‌شان تأثیری نداشته است. سهم بسیار کمتری مربوط به کسانی بود که قائل به افزایش تعامل رودررو پس از ایجاد گروه‌ها بودند. یکی از نتایج قابل‌تأمل نیز کاهش ارتباط با خویشاوندانی بود که در گروه حضور نداشتند و در نتیجه از میدان دید و تعاملات سایرین خارج‌شده بودند. این مسئله در مصاحبه با افرادی که در این گروه‌ها حضور نداشتند تأیید شد. به یک معنا حتی اگر حضور در گروه‌های خویشاوندی در افزایش ارتباطات چهره به چهره تأثیر زیادی نداشته باشد، عدم حضور در آن می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر کاهش ارتباطات حضوری داشته باشد.

۴. **اخلال در روابط خانوادگی:** فاصله‌زدایی غیراصولی در برخی روابط سبب فاصله‌زایی در رابطه‌ای دیگر می‌شود؛ برای مثال افزایش روابط صمیمانه با غیر محارم گاهی به کاهش صمیمیت با همسر و سرد شدن زندگی زناشویی منجر می‌گردد. یکی از مصاحبه‌شوندگان از تعریف اغراق‌آمیز یکی از آقایان گروه خویشاوندی از کدبانوگری خواهرخانمش - از روی عکس‌هایی که روزانه در گروه به اشتراک می‌گذارد - می‌گفت و آن را منفی ارزیابی می‌کرد. فرد دیگری می‌گوید: «مورد داشتیم که همین گروه‌ها باعث عادی‌سازی روابطش شده و فرد با همسر برادرش وارد ارتباط شده».

یکی از مؤلفه‌هایی که میزان موفقیت گروه را در رسالت خود نشان می‌دهد میزان اهمیت آن برای افراد گروه است. در سؤالی این مسئله مورد پرسش قرار گرفت. بیشترین فراوانی مربوط به افرادی بود که بودن یا نبودن در گروه برای آنها تفاوت چندانی نمی‌کرد. در مقابل، افراد بسیار کمی اهمیت بودن در گروه و استفاده از فضای صمیمی آن تأکید داشتند (غالباً گروه‌هایی که لایه‌های اول و دوم خانواده را در برمی‌گرفتند). و یکی از پاسخ‌دهندگان اذعان داشت که تنها به دلیل رودربایستی گروه

خویشاوندی را ترک نمی‌کند.

در نهایت عده‌ای معتقد بودند «ورود و فعالیت در این فضا آموزش می‌خواهد و یکی از مشکلات اساسی ما به عدم آموزش این فضا برمی‌گردد. افراد از آن انتظار قوانین و قواعد فضای واقعی را دارند که همین برای روابط خانوادگی آسیب‌زاست». البته برخی از مصاحبه‌شوندگان بستر تلگرام را به دلایل متعدد جای خوبی برای برقراری ارتباطات خانوادگی نمی‌دانستند؛ برای مثال آنها به آلوده بودن بستر (در بعد کلان) یا امکان مدیریت منفی آن توسط کارتل‌های بزرگ سیاسی-تجاری اشاره داشتند و آن را بدون جهت‌گیری و قابل‌انعطاف نمی‌دانستند.

۶. نتیجه‌گیری

در ارتباطات خویشاوندی دو فضایی شده، جهان اول محدود به مکان و متأثر از بعد مسافت است و جهان دوم با خاصیت بی‌مکانی خود به رفع این مشکل برمی‌آید. از سوی دیگر دسترسی‌پذیری همیشگی فضای مجازی به یاری حل مشکل چهارچوب‌های سخت زمانی-مکانی دیدوبازدیدهای حضوری برآمده و ارتباطات میان افراد را گسترش می‌دهد؛ اما ویژگی‌هایی مانند واقعیت مجازی، نمادین بودن و بی‌بدن بودن فضای مجازی سبب کاهش تعلق به ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای خانوادگی شده و از این منظر قدرت ارتباطات خویشاوندی را کم کرده است.^۱

نتایج پژوهش نشان می‌دهد فضای مجازی با فاصله‌زدایی در ابعاد مادی به گسترش سطح ارتباطات خویشاوندی انجامیده و در بعد صوری (گزل‌شافتی) موفق عمل کرده اما هم‌زمان با فاصله‌زدایی در ابعاد معنوی سبب کاهش عمق ارتباطات شده و در بعد (گیمان‌شافتی) چندان موفق نبوده است. البته عمق کم، سطح ارتباطات را هم دچار چالش نموده است و همان‌طور که مشاهده شد، گروه‌های مجازی بزرگ‌تر که شامل لایه‌های بیشتری از اقوام (با اختلاف سلیقه بیشتر) هستند، ظرفیت ازهم‌پاشیدگی بیشتری

۱. ارتباطات چهره به چهره تعامل فرهنگی قوی‌تری دارد. چون در دسترس عینی و محسوس است، در صورتی که در جهان مجازی، ارتباطات خصوصیتی رهانده و معلق دارد (گیدنز، ۱۹۹۹ به نقل از عاملی ۱۳۹۵) و در نتیجه ارتباطات ضعیف‌تری به دنبال دارد (عاملی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۰).

دارند. در فضای سنتی، اراده طبیعی سبب می‌شد افراد به بزرگ‌ترهای فامیل احترام بگذارند، تمایل به ساختارشکنی و قبح‌شکنی از هنجارهای خانوادگی - خویشاوندی بسیار پایین باشد و سلسله‌مراتب در بسیاری موارد رعایت شود؛ اما یکی از ویژگی‌های دو جهانی شدن ارتباطات خویشاوندی دموکراتیزه کردن این روابط است که میل به اراده عقلانی و حسابگری را - که تا حد ممکن انگیزه‌های طبیعی و ناخودآگاه بشر را سرکوب می‌کند (تونیس، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۵) - گسترش داده است و به طور کلی افزایش سطح، کاهش عمق و حرکت به سمت اراده عقلانی وضعیت شبه گزل‌شافت به ارتباطات خویشاوندی مجازی داده است.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که افراد کسانی را که در فضای حقیقی نمی‌بینند یا کمتر می‌بینند احساس تعلق ندارند؛ بنابراین ارتباطات خویشاوندی حضوری قابلیت جایگزینی ندارد و اگر در امتداد روابط مجازی رابطه واقعی برقرار نشود در طی یک یا دو نسل شاهد افول شدید ارتباطات خویشاوندی خواهیم بود.

۷. پیشنهادها

نتایج نشان می‌دهد بسیاری از مشکلات ناشی از ارتباطات خویشاوندی مجازی به ضعف سواد رسانه‌ای برمی‌گردد که با ارتقای سواد رسانه‌ای چنین مشکلاتی قابل حل هستند. به دلیل اهمیت زیاد ارتباطات خانوادگی و خویشاوندی در فرهنگ ایرانی و اهمیت آن در کاهش آسیب‌های اجتماعی، ضرورت دارد به طور ویژه فصلی در کتاب‌های آموزشی سواد رسانه به این نوع ارتباطات اختصاص یابد.

یکی از مشکلاتی که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره می‌کردند پلتفرم (سکو) نامناسب و آمیخته به آلودگی‌های اخلاقی بود که موجب تسری آسیب‌های اخلاقی به روابط خانوادگی و خویشاوندی شده است. امروزه چه بسترهای باسابقه‌تری مانند تلگرام و واتساپ؛ چه بسترهای جدیدتر مانند اینستاگرام که سهم مهمی از ارتباطات خویشاوندی را به خود اختصاص داده‌اند در دامن زدن به این آسیب‌ها اثرگذارند. طراحی پلتفرم (سکو) یا سامانه مخصوصی برای ارتباطات خویشاوندی امن با امکانات خاص و ویژه راهی مؤثر برای کاهش این آسیب‌هاست.

لزوم تشویق و ترغیب به روابط خویشاوندی حضوری در رسانه‌ی ملی امروزه بیش

از هرزمانی احساس می‌شود. متأسفانه در بیشتر فیلم و سریال‌ها روابط دوستانه و شغلی جای روابط خویشاوندی با خانواده گسترده را گرفته است. در تبلیغات بازرگانی جدید بیش از آنکه شاهد گردهم آمدن اعضای خانواده گسترده در کنار هم باشیم، شاهد دوره‌می‌های خانواده‌های هسته‌ای کم‌جمعیت در قالب روابط دوستانه هستیم. رسانه ملی همچنین می‌تواند بستری مناسب برای آموزش سواد رسانه‌ای در حوزه روابط خانوادگی باشد.

پی‌نوشت (سوالات مصاحبه):

۱. آیا عضو گروه‌های خانوادگی هستید؟ چند گروه؟ نام گروه‌ها؟ هر گروه چند نفر عضو دارد؟ چند خانم و چند آقا؟ چه لایه‌هایی از فامیل عضو هستند (اقوام درجه یک، دو سه)؟ چه کسی گروه را تشکیل داده؟ چه کسی بیشتر فعال است؟ چه کسانی کمتر فعال‌اند؟
۲. چه وقتی را در تلگرام سپری می‌کنید؟ چه وقتی را به این گروه اختصاص می‌دهید؟
۳. آیا قبلاً با تمام افراد گروه رابطه داشته‌اید؟ در چه بازه‌های زمانی؟
۴. آیا روابط رودرروی شما در مقایسه با قبل تشکیل گروه تغییر کرده است (کم یا زیاد شده)؟ شیوه ارتباطتان تغییر کرده؟ به نظر شما برقراری ارتباط در گروه خانوادگی بیشتر باعث می‌شود که شما حس کنید که رابطه مورد نیازتان برقرار شده و دیگر نیاز به ارتباط چهره به چهره کمتر است. یا این پیام‌ها محرک ارتباط حضوری بیشتر می‌شود؟
۵. پیام‌های گروه در چه موضوعاتی هستند؟ غالباً فورورادی و عام هستند یا تولیدی و خاص؟
۶. چقدر در گروه حال هم را می‌پرسید؟ چقدر از مشکلات و نیازهای هم توسط گروه مطلع می‌شوید؟ چقدر از شادی‌ها و خوشی‌های اعضای گروه مطلع می‌شوید؟
۷. آخرین پیام‌هایی که در گروه گذاشته شده است؟ اگر ممکن هست از صفحه اسکرین شات بگیرید.
۸. آیا هنجارهای خانوادگی در این گروه‌ها مراعات می‌شود؟
۹. اگر در گروه نباشید و به گذشته برگردید احساس خلأ می‌کنید یا برایتان فرقی ندارد؟
۱۰. ویژگی دوره‌های حضور تون چطور بود و چه برتری‌هایی داشت؟
۱۱. آیا حضور در این گروه در دوره‌های خانوادگی اثرگذار بوده؟
۱۲. آسیب‌های این گروه‌ها از نظر شما چیست؟ برای روابط، برای اشخاص و...
۱۳. فایده و مزیت گروه‌ها نسبت به قبل تشکیل آن چیست؟
۱۴. آیا بحث و جدل پیش آمده؟ در چه موضوعاتی؟ سرانجامش چه بوده؟ آیا اختلاف‌نظرها در فضای واقعی هم همین قدر بروز می‌یابد یا کمتر و یا بیشتر؟
۱۵. می‌توانید مهمانی‌های (دوره‌های حضور) قدیم و جدیدتان را باهم مقایسه کنید؟ (فارغ از فضای مجازی و گروه‌های تلگرامی)
۱۶. آیا بعد از تشکیل گروه باهم صمیمی‌تر شده‌اید؟ تأثیر گروه بر روابط همدلانه شما چه بوده؟

کتابنامه

۱. اطیابی، اعظم (۱۳۸۶). روابط خویشاوندی و تأثیر آن در زندگی اجتماعی. نشریه پیوند، فروردین و اردیبهشت، شماره ۳۳۰ و ۳۳۱، ۵۲-۵۴.
۲. پیرجلیلی، زهرا؛ مهدوی، سیدمحمدصادق؛ و ازکیا، مصطفی (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی تأثیر شبکه اجتماعی تلگرام بر روابط خانوادگی زوجین (شهر تهران سال ۱۳۹۵). فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، بهار و تابستان، شماره ۱، ۷۰-۹۱.
۳. جفاله، عبدالله (۱۳۹۵). شبکه‌های اجتماعی مجازی و تأثیر آن بر کاهش روابط خویشاوندی. سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی.
۴. خجیر، یوسف؛ خانیکی، هادی (۱۳۹۷). گفت‌وگو در شبکه‌های اجتماعی مجازی (تحلیل سیستماتیک پژوهش‌های مرتبط). فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، بهار، شماره ۵۴، ۵۳-۷۷.
۵. رضایی، محمد؛ غلامزاده، مهدی (۲۰۱۸). تحلیل فردگرایی در شبکه‌های اجتماعی مجازی. مطالعات رسانه‌های نوین، ۴(۱۵)، ۱-۳۳.
۶. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
۷. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ و شیخزاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۵۱-۱۹۸.
۸. عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۵). مطالعات جهانی شدن: دو فضای شدن‌ها و دو جهانی شدن‌ها. تهران: انتشارات سمت.
۹. عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۶). خانواده مسلمان و فضای مجازی. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. عبداللهیان، حمید، شیخ انصاری، مهین (۱۳۹۲). تبیینی بر همبستگی بین شدت استفاده از فیس‌بوک و سرمایه اجتماعی کاربران فیس‌بوک. جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۵۲، ۱۱۹-۱۳۸.
۱۱. عدلی پور، صمد؛ سپهری، آسیه؛ و علی زاده، محمدحسین (۱۳۹۲). شبکه اجتماعی فیس‌بوک و روابط خانوادگی کاربران جوان ایرانی. رسانه و خانواده، پاییز و زمستان، سال دوم و سوم - شماره ۸ و ۹، ۷۱-۹۳.
۱۲. عطایی، پری (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر استفاده از فضای مجازی بر فرهنگ شفاهی (مورد مطالعه: شهر اصفهان). دومین کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی.
۱۳. کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳). قدرت ارتباطات (حسین بصیریان جهرمی، مترجم). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

۱۴. کانتونی، اورنزو، تاردینی، استفانو (۱۳۹۱). اینترنت (گروه مترجمان، سرویراستار سید سعیدرضا عاملی). تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۵. مهدی زاده، سید محمد (۱۳۹۳). نظریه‌های رسانه؛ اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. تهران: انتشارات همشهری.
۱۶. وارتز، مالکوم (گردآوری) (۱۳۸۱). جامعه سنتی و جامعه مدرن، مقاله فردیناند تونیس. تهران: انتشارات نقش جهان.
۱۷. وکیل‌ها، سمیرا (۱۳۹۲). تأثیر فضای مجازی بر عرصه هویت فرهنگی. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۳(۹)؛ ۶۳-۷۵.
۱۸. یوسفی، علی؛ اوجاقلو، کمال (۲۰۱۷). آثار ارتباطات مجازی بر بیگانگی جمعی (مورد مطالعه: شهر مشهد). مطالعات رسانه‌های نوین، ۳(۹)، ۱۹۵-۲۱۹.
19. Attride-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.
20. Bruess, C. J. (Eds). (2015). *Family Communication in the Age of Digital and Social Media*. Bern, Switzerland: Peter Lang US.
21. Hertlein, K. M. (2012). Digital dwelling: Technology in couple and family relationships. *Family Relations*, 61(3), 374-387.
22. Latifi, Z. (2015). Investigating the Effect of Participation in the Cyberspace in the Relations between Spouses. *Journal of Education and Practice*, 6(34), 13-16.
23. LeBouef, S. & Dworkin, J. (2017) Near, far, wherever you are: Siblings and social media communication, Social Media is Changing Family Interactions, NCFR Annual Conference.
24. Mann, S. (2016). From Family to Friend: Family Communication Patterns and the Impact on Young Adults' Family Interaction via Facebook (Doctoral dissertation, University of the Pacific).
25. McKenna, K. Y. & Green, A. S. (2002). Virtual group dynamics. *Group dynamics: theory, research, and practice*, 6(1), 116.
26. Mesch, G. S. (2003). The family and the Internet: The Israeli case. *Social Science Quarterly*, 84(4), 1038-1050.
27. Onyeator, I., & Okpara, N. (2019). Human communication in a digital age: Perspectives on interpersonal communication in the family. *New Media and Mass Communication*, 78, 35-45.
28. Salgür, S. A. (2016). HOW DOES THE USE OF SOCIAL NETWORKING AFFECT FAMILY COMMUNICATION OF TEENAGERS?. *Euromentor Journal-Studies about education*, (01), 21-32.
29. Ulusoy, Ş. G., & Atar, Ö. G. (2020). Reflection of Social Media Addiction on Family Communication Processes. *Adam Akademi Sosyal Bilimler Dergisi*, 10(2), 425-445.
30. Underwood, H. & Findlay, B. (2004). Internet relationships and their impact on primary relationships. *Behaviour Change*, 21(2), 127-140.